

یهودی سازی سرزمین و نام و نشانه های فلسطینی*

ابراهیم عبدالکریم، تهوید الارض و اسماء المعالم الفلسطينية، بیروت: اتحاد الكتاب العرب، ۲۰۰۱، ص ۲۱۵.

تپیه و ترجمه: اسراء متهدجد عسکری

این کتاب، نوشته پژوهشگر معاصر «ابراهیم عبدالکریم» است. نویسنده در این کتاب به صورت عمیق و موشکافانه و فراگیر به بررسی تجاوزات و تغییرات و جعلهای صورت گرفته بر نشانه ها و شاخصهای فلسطینی می پردازد. از دیگر موارد اهمیت این کتاب این است که یکی از حلقه های اصلی و مهم حفظ هویت فلسطینی است. در فصل اول کتاب که با عنوان «طرح صهیونیستی و یهودی سازی فلسطین - زمینه ها و اشکالات» به چاپ رسیده، مؤلف به بررسی گرایشهای استعماری در مورد منطقه عربی پرداخته و اهداف این توسعه طلبی را در اوج

آن و محصور در چند چارچوب دانسته است. مهمترین این چارچوبها عبارت است از:

۱. چارچوب اقتصادی - اجتماعی

این مسئله موجب بروز فشارهای جدیدی گردید که به افزایش جمعیت در قاره اروپا، گسترش صنایع، تقاضا برای مواد اولیه و نیاز به توسعه بازارها در راستای گسترش فعالیتهای سرمایه داری منجر شد. این امر با تلاش برای تأمین حمایت از خطوط مواصلاتی و جاده های بازرگانی همراه گردید.

۲. چارچوب فرهنگ و اندیشه

رشد گرایشهای قومی در اروپا و نیز تبلور عقاید نژاد پرستانه و برتری گرایانه که به گفته نویسنده، در نظریه های داروین بهترین زمینه برای رشد و نمو خویش یافتند و با سوء استفاده از نظریه های بیولوژیکی مانند «برتری طبیعی و تنازع بقا»، آن را به شکل نیم بندی بر جامعه انسانی اجرا نمودند تا «داروینیسم اجتماعی» که توسط

* منبع: مجله الاسلام و فلسطین، شماره ۷۶، مه ۲۰۰۱، ص ۴۵-۴۲.

ولت‌مان آمون، ولیابوچ، چمبرلی و غیره ایجاد گردد. به گفته این نویسنده، چنین گرایش‌هایی با ظهور اندیشه‌های نیچه و ترچکه و انتشار آنها، گسترش بیشتری یافتند تا خدمات گسترده‌ای را برای جریان استعمار غربی در قبال ملل شرقی ارایه کنند. پژوهشگر در ادامه می‌افزاید: «این دو بُعد، از یک سو موجب بروز مشکلات اقتصادی در زمینه تولید، رشد سرمایه‌ها و توسعه استعماری گردید و از سوی دیگر، در ابعاد اجتماعی و ایدئولوژیکی و نژادپرستانه مسئله آفرین شد. «این علل، دست به دست هم دادند تا در کنار دلایل استراتژیک استعماری، منطقه عربی را به محل اصلی حل مشکلات داخلی اروپایی مبدل سازند. از این رو، رخنه استعماری و رقابت بر سر مراکز نفوذ در منطقه، بین آنها آغاز شد. به دلایلی چند- از جمله «ژئوپولیتیک، اقتصادی، سیاسی و دینی»- فلسطین بخشی از هسته مرکزی طرح‌های سلطه‌گرانه استعماری را تشکیل داد. نویسندگان سپس به چگونگی شکل‌گیری عقاید صهیونیسم و اعطای چهره مقدس و امت یهودی و «حقانیت تاریخی» آن پرداخته،

می‌افزاید: ایدئولوژی توانست از راه‌هایی پتانسیلهایی چون توسعه «جنبش احیای عبری»، ایجاد ارتباط بین یهود و فلسطین، تقویت جریان صهیونیسم غیریهودی، انتشار گرایشها و فلسفه‌های نژادپرستانه غربی (نیچه‌ای، داروینی و غیره) و شیوع برتری یهودیان به عنوان یک گروه نژادی از گروه‌های مسیحی در کنار سردرگمی غرب در حل این مشکل که از طریق خلاصی (رهایی) از آنها یا ذوب نمودنشان در جوامع غربی از یک سو و ارایه طرح ایجاد دولت مخصوص یهودیان به عنوان چارچوب مناسب برای نشان دادن برتری آنها و موظف شدن این دولت جهت حفظ و حمایت از هویت یهودی و گسترش توانمندیهای فرهنگی و اجتماعی آن از سوی دیگر، سوء استفاده‌های فراوانی نماید. به عقیده این نویسنده، این زمینه‌های عقیدتی با تأثیرپذیری از فلسفه صهیونیستی با استناد به مقوله «ملت برگزیده خدا»، موجب تشکیل فلسفه صهیونیسم براساس برتری آنها در چارچوب یکی بودن امت یهودی و شخصیتی خاص (جمع‌گرایی، پاک‌ی و استقلال) گردید.

مؤلف با ارایه تعدادی از مدارک و اسناد مربوط، اثبات می‌کند که پیش از پیدایش اندیشه‌های صهیونیسم در محافل غربی، یهودیان به هیچ‌عنوان به فکر انتقال و سکونت در چارچوب یک رژیم سیاسی خاص در فلسطین نبودند. اما در مورد علی‌که طرح استعماری را وادار کرد تا در مشرق زمین از یهودیان برای اجرا و پیشبرد طرح صهیونیستی استفاده کنند، نویسنده می‌نویسد: «انتخاب یهودیان توسط استعمارگران به عنوان یکی از اهرم‌های استعماری، به هیچ‌عنوان خارج از چارچوبها و منش قدرتهای اروپایی در اجرای عملیات استعماری نبوده و نیست.» وی سپس در این راستا به شاخصهایی می‌پردازد که یهودیان را برای ایجاد طرح صهیونیستی بسیار مناسب می‌داند و دو طرف از پیشبرد آن سود برده و نفوذ استعماری در منطقه نیز از طریق دستاوردهایی که طرح صهیونیستی کسب می‌کند، محقق می‌شود. در مورد پیش‌زمینه‌های طرح صهیونیستی، نویسنده ابتدا به راهکارهایی که شرایط را برای این طرح مهیا نموده، پرداخته، می‌افزاید: افزون بر اعتماد به قدرتهای غربی و همچنین،

یهودیانی که از مهاجرت دیگر یهودیان و یهودی‌سازی فلسطین حمایت می‌کردند، جنبش صهیونیسم بر هدف قراردادن اندیشه و ذهن یهودیان تأکید نمود. این جنبش، راهکارهایی استفاده نمود که متعاقباً به خطرناکترین اندیشه در تاریخ صهیونیسم مبدل گشت. این راهکارها «تک‌کیش بودن دولت» یا به عبارت دیگر، انحصار دولت بر یهودیان بود. نویسنده به روشهای تبلیغاتی و گمراه‌کننده صهیونیست‌ها که به عمد و با دستاویز قرار دادن مسایل خود ساخته به حقایق موجود خدشه وارد نموده، به یهودی‌سازی فلسطین - چه در دوره شکل‌گیری و چه بعد از آن - پرداخت. بعد از جنبش صهیونیسم با مطرح کردن مسایل دیگری چون «غایبان»، تبلیغات گمراه‌کننده خود را در مورد خالی از سکنه بودن فلسطین پیش‌کشیده و به تبلیغاتی در مورد آن موضوع می‌پردازد. جمله سرزمین خالی از سکنه فلسطین در کتب درسی صهیونیست‌ها بسیار به کار می‌رفت. بعضی از محققان صهیونیست هم خود پدیده عربی غایب را تلاشی برای فرار از حقیقت بسیار

ناخوشایندی توصیف نمودند که می‌تواند تمام رؤیاهای صهیونیست‌ها را از بین ببرد. همچنین، در اولین زمینه سازی برای اخراج و کشتار فلسطینی‌ها، دستاویز دیگری داشتند که همانا اندیشه یهودی خالص با توجه به اندیشه «عربی غایب» یا راندن فلسطینی‌ها، بود. در همین زمینه، پژوهشگر به تعدادی از واژه‌های صهیونیست‌ها که به کثرت توسط جنبش صهیونیسم به کار رفت، اشاره می‌نماید. از جمله این واژه‌ها می‌توان به عقب مانده‌ها، دشمنان ابدی، چپاولگران، حاشیه نشینها و طمع‌ورزان اشاره نمود، که هر یک از این واژه‌ها با هدف خدشه وارد کردن به چهره فلسطینی و ایجاد تصویری متوحش از آنها در رسانه‌های گروهی صهیونیستی و غربی وجود داشت، تا حق تاریخی آنها در سرزمین خویش، پامال و از آنها در جهان به عنوان یک اقلیت بی‌هویت و بی‌ریشه در فلسطین یاد شود. برای آنکه بتوانیم نمونه‌هایی از یهودی سازی صهیونیستی را در شهرها، روستاها، کوه‌ها، تپه‌ها و بقیه مناطق فلسطینی ذکر نماییم، به خلاصه‌ای از آن اشاره می‌کنیم. نویسنده به تبیین تلاشهای صهیونیست‌ها

در این زمینه می‌پردازد؛ تلاشهایی که معنایی جز بیرون راندن و آواره ساختن اعراب نداشته و با کشاندن مهاجران از اقصا نقاط جهان به این سرزمین، گام در راه تغییر بافت جمعیتی و اجتماعی سرزمین، نهاد. در این راستا، کلیه تلاشها در چارچوب برنامه‌های صهیونیستی که صهیونیسم جهانی نیروی بالقوه خود را در اختیار آن قرار داده بود، صورت پذیرفت.

مضامین عملی یهودی سازی فلسطین

بخش دوم کتاب، تحت عنوان فوق است. این بخش به توصیف طرحهای صهیونیستی و راهکارهای آنها در یهودی سازی سرزمین فلسطین اختصاص یافته است. مؤلف، پیش از پرداختن به اولین یورشهای طرح صهیونیستی به ادعای بروز دشمنی که یهودیان از آن به عنوان اولین دستاویز خویش استفاده نمودند، پرداخته و ضمن رد آنها، ثابت می‌کند که یهودیان قبل از ارایه طرح صهیونیسم از احترام و امنیت مناسبی در سرزمین فلسطین و در میان مسلمانان برخوردار بوده و حتی این اطمینان، شامل یهودیانی که از زیر فشار

پژوهشگران به نام «غازی فلاح» - که بین سالهای ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ بر روی ۴۱۸ روستا انجام داده بود - به نتایج زیر دست می‌یابد:

۲۲۱ روستا به طور کامل تخریب شد.

۱۳۴ روستا، بخشهایی از آن تخریب شده است.

۵۲ روستا، هم اکنون یهودیان در بخشهایی از آن سکونت دارند.

۱۱ روستا که امکان دسترسی به آنها فراهم نگردید.

به نوشته این محقق (مؤلف) تا نوامبر ۱۹۵۲، تعداد روستاهای فلسطینی به کلی تخریب شده، به ۱۶۱ روستا رسید تا آنکه رژیم صهیونیستی مابقی را نیز تخریب کرد.

بخش سوم کتاب به بررسی زمینه‌های ایدئولوژیکی طرح صهیونیستی پرداخته، روشهای یهودی سازی نامها، سبک نام گذاری یهودی و صهیونیستی پرداخته است. پژوهشگر سپس به ذکر برخی از نامهای تناخی که دولت صهیونیستی بر سرزمین فلسطین نهاده و به همان شیوه‌ای که تناخ (عهد قدیم) از آن در سفر یوشع (یعنی بین بنی اسرائیل) نام

سرکوب گرانه دولتهای خویش گریخته و به این سرزمین پناه آورده بودند، نیز می‌شد. نویسنده سپس به درج یورشهای اولیه طرح صهیونیسم به ترتیب زیر می‌پردازد: یورش به زمین، فرصتهای شغلی، تولید و یورش به امنیت. این چهار یورش، شرايطی را در این سرزمین به وجود آوردند که به نوبه خود، در تسهیل پیشبرد گامهای یهودی سازی مؤثر بود. با اعلام بریایی رژیم صهیونیستی، روند یهودی سازی فلسطین به نقطه اوج خود رسید و با استفاده از قدرت نظامی و روشهای خشونت‌ی و تروریستی به جنگی نابرابر با اعراب پرداخته شد. نویسنده سپس به تشریح روند ریشه کنی جمعیتی و تخریب روستاهای فلسطینی در راستای برنامه‌های باندهای صهیونیست پرداخته، می‌افزاید: «یکی از طرح‌هایی که توسط باندهای هاگانادر سال ۱۹۴۲ تدوین و در تابستان ۱۹۴۷ متبلور شد، طرح موسوم به (دالت) بود. براساس این طرح باید نقاط حساس و کلیدی کشور در اختیار و تصرف یهودیان در آید.» پژوهش‌گر به تعداد روستاهای تخریب شده پرداخته و با استناد به بررسی عملی صورت گرفته توسط یکی دیگر از

می برد، در کنار نام گذاریهای برگرفته از تلمود و خاخام صهیونیستی، نامهای تحریف شده عربی استفاده می کند. تعدادی از نامهایی را که صهیونیست ها در راستای یهودی سازی مناطق، آنها را تغییر داده اند و در کتاب نیز به آنها اشاره شده، ذکر می نمایم.

نام عبری	نام عربی	موقعیت تقریبی جغرافیایی
شهرها		
تسفات	صفد	شمال شرقی مرکز الجلیل
عکو	عکا	ساحل شمالی فلسطین
روستاها/شهرک صهیونیست نشین		
اییم	نجد	جلگه ساحل جنوبی واقع در ۱۴ کیلومتری شمال شرقی غزه
این یتسحاق، جلعید	خبیزه	در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی حیفاء به سوی مرج بن عامر
کوهها		
افیهو، آبیهو	ابوالهوا	پایین دست الجلیل، شمال الناصره
ادمون (از رنگ قرمز)	النطاح	بالا دست الجلیل، منطقه صفد در شرق دلانه (ارتفاع ۸۲۰)
تپه ها		
أفیعاد	عوض	بالا دست الجلیل، شمال غربی روستای فسوطه
أکزیف	الزیب	بالا دست الجلیل غربی، شمال عکاء